



بحران در کاربست مذهب به مثابه «صنعت فرهنگ» از سوی داعش

محمود علیپورگرگی^۱ - روح اله باقرآبادی^۲

چکیده

داعش از آغاز شکل‌گیری و به ویژه از سال ۲۰۱۴ که رهبر آن، ابوبکر البغدادی در موصل اعلام خلافت کرد، رویکردی در پیش گرفت که متفاوت از اسلاف سلف‌گرای خود بود. آن‌ها در راه جذب نیرو و با تکیه بر ابزارها و فناوری‌های مدرن سعی کردند نمایه‌ای رهایی‌بخش به اقدامات و ایدئولوژی خود ببخشند. در این راه، بخشی از هدف‌گذاری آن‌ها شامل جوانان کشورهای مختلف دنیا به‌ویژه کشورهای غربی بود. این پژوهش با روشی توصیفی و تحلیلی به بررسی روندی پرداخته است که داعش در پیش گرفت تا هرروز بر شمار افراد خود بیفزاید. در این راه تکیه و سامان این نوشتار بر استفاده از چارچوب نظری نظریه انتقادی و مکتب فرانکفورت برای مفهوم‌سازی واژه صنعت مذهب است و با به کارگیری مفاهیمی چون رهایی و رستگاری و مقوله صنعت فرهنگ که در راهبرد داعش به صنعت مذهب تعبیر شده است. پرسش پژوهش حاضر این است که کاربست مذهب به مثابه «صنعت فرهنگ» از سوی داعش با چه بحرانی روبروست؟ یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که داعش با به خدمت گرفتن مذهب، تکنولوژی و رسانه، به دنبال ایجاد آگاهی کاذب در میان جوانان بوده تا خود را پایگاهی رهایی‌بخش جلوه دهد این در حالی است که ظرفیت برای رهایی‌بخشی در دل مذهبی که داعش مبلغ آن است؛ وجود ندارد و این بحران عمده‌ای است که داعش با آن روبروست.

واژگان کلیدی: نظریه انتقادی، مکتب فرانکفورت، رهایی‌بخشی، صنعت فرهنگ، صنعت مذهب، داعش

شماره ۲ (۲۹)

سال ۱۰
تابستان ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۰۸/۰۷
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۲/۰۹/۲۸
صص: ۱-۱۶



DOI: 10.27834/CSIW.2310.1305.2.29.4

^۱ استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی (ره)، بروجرد، ایران alipour_mg558@yahoo.com

^۲ کارشناس ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی (ره)، بروجرد، ایران bagherabadi.r@gmail.com

مقدمه

استفاده داعش از ابزار دین در راستای پیشبرد اهداف خود، بار دیگر لزوم توجه به مقوله دین را در کانون توجهات قرار داده است. این در حالی بود که از سوی نظام غرب در خاورمیانه، رویکرد حذفی به دین در قالب دین زدایی و سکولاریسم مؤثر نبوده است. فقدان یک پارادایم فرهنگی مطلوب و جذاب از سوی جوامع غربی، امتزاج شدید و در حال افزایش بیگانه‌ستیزی و اسلام‌هراسی، از جا شدگی و بیگانگی فرهنگی، انزوای اقتصادی و اجتماعی، غرب را به استفاده از هویت مذهبی کشانده است (کریمی مله و برزگر، ۱۳۹۴: ۱۶۸). بر این اساس داعش، خود محصول نظام سرمایه‌داری است که بر مبنای تغییر از تئوری «ثبات منطقه» به تئوری «هرج و مرج هدایت‌شده» در راستای تغییر منطق ژئوپلیتیک و مرزبندی خاورمیانه از طریق تجزیه (محروق، ۱۳۹۴: ۱۳۶) زمینه‌های ایجاد آن شکل گرفته است؛ و گسترش نفوذ داعش حاصل از گسترش جهانی‌شدن است که نوعی حذف‌گرایی و یکپارچه‌سازی در بطن آن وجود دارد. اما این یکدست‌سازی، بخشی از جمعیت خاورمیانه که ریشه‌های دینی در آن عمیق است را به واکنش واداشته است. در این راه جوانان مسلمانی که به رستگاری می‌اندیشیدند پتانسیل‌رهایی را در ایدئولوژی داعش می‌دیدند چرا که تصور می‌کردند آنچه آن‌ها را از چنبره نظام سلطه خارج می‌سازد، داعش و مذهبی است که آن‌ها مبلغ آن هستند؛ اما آنچه داعش به آن‌ها داد سویی دیگر از آگاهی کاذب و شکل دیگری از «صنعت فرهنگ» بود. صنعتی که داعش به راه انداخت تا مسیر تشکیل دولت اسلامی را با آن هموار سازد، سوء استفاده از مذهب بود. صنعت مذهب آن‌گونه که در دنباله این نوشتار خواهیم دید به مدد ابزارهای تکنولوژیک و رسانه‌ها، هم جوانان حاشیه‌ای را به خود جذب کرد و هم در راستای ایجاد فضای هرج و مرج و مدیریت توحش توانست بر حوزه نفوذ و گسترش داعش بیفزاید. در راهبرد داعش، آن‌ها با ایجاد ناامنی، ترس و وحشت در مناطق خاصی هرج و مرج ایجاد کرده به گونه‌ای که به تعبیر خودشان قانون جنگل در آنجا حکم فرما شود و آنگاه برای دستیابی به کنترل منطقه وارد عمل می‌شوند که این مرحله را مدیریت توحش نامیدند که مرحله‌ای پیش از تشکیل دولت اسلامی است.

بر این اساس داعش مذهب را به مدد فناوری و وعده‌های رستگاران در کنار پروژه‌هایی لذت‌جو مانند جهاد نکاح چون ابزاری مورد استفاده قرار داد و پدیده‌ای شکل گرفت که در نظریه انتقادی

«صنعت مذهب» نامیده شده است. این صنعت وظیفه دارد در پوشش رهایی بخشی و رستگاری آن‌ها را به مناطق متصرفه‌ای بکشاند که سودای تشکیل خلافت اسلامی بر پهنه آن و دیگر سرزمین‌های اسلامی در سر می‌پروراند. پیکارجویانی که به‌صفت داعش پیوستند در پی آرمان رهایی بخشی بودند که تجلی آن را در دولت اسلامی عراق و شام (داعش) دیده‌اند. اما پرسش اینجاست که چگونه این افراد به این درک و دریافت رسیده‌اند که داعش و مذهبی که رهبران آن مبلغ آن هستند، رستگاری و رهایی را به ارمغان می‌آورد؟ این همان پرسشی است که «صنعت مذهب» را از منظر نظریه انتقادی برجسته می‌سازد. «اندرو لینکلتر»^۱ در تبیین از نظریه انتقادی آن را در پی آزادی انسان و رهایی او از قید آگاهی کاذب می‌داند و هافمن هم یکی از مزیت‌های نظریه انتقادی بر تاویل‌گرایی بنیادین را در پیوند جدی این نظریه با علایق رهایی بخشی می‌داند (امیدی، ۱۳۸۳: ۷۱-۷۲).

با این حال داعش یک جنبش سیاسی بود نه یک جنبش دینی. علی‌رغم آنکه داعش از زبان مذهب برای جذب هوادار استفاده و اعمال خود را توجیه می‌کرد، اهداف نهایی آن سیاسی بودند. اقدامات تروریستی و کشتار دسته جمعی آن‌ها، نمایش سیاسی طراحی شده برای دستیابی به یک نتیجه سیاسی بود (Liebich, 2015). براین اساس پرسش پژوهش حاضر این است که کاربست مذهب توسط داعش از منظر نظریه انتقادی چیست؟ به عبارت دیگر آیا بنیادهای حرکت داعش بر آرمان‌های اسلام رهایی بخش مبتنی بود یا آن که مذهب، ابزاری در عصر مدرن و در دست یک گروه سلفی و بنیادگرا بود تا با تکیه بر آن به اهداف سیاسی خود دست یابد. فرضیه پژوهش این است که داعش با استفاده از عنصر رهایی مسلمانان از شرایط سلطه و ستم اقدام به جذب نیرو و تبلیغ می‌کرد، اما کاربست صنعت مذهب با بحران روبروست.

۱- مبانی نظری

۱-۱- نظریه انتقادی

نظریه انتقادی، متأثر از آرا مکتب فرانکفورت است. این مکتب نامی است برای اعضای مؤسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه فرانکفورت آلمان که در دهه ۱۹۲۰ در این کشور شکل گرفت. هورکهایمر از بنیانگذاران نسل اول مکتب فرانکفورت با نظریه انتقادی به دنبال بازگشت به عصر

¹ Andrew Linklater

نظریات اجتماعی بود که در قلمرو اخلاق، در جستجوی زندگی خوب بود و هدف را در رهایی بشر از بردگی می‌دید (Wyn Jones, 1999: 20) هورکهایمر و آدورنو دو چهره برجسته متقدم مکتب فرانکفورت در کتاب «دیالکتیک روشنگری» با نگاهی به بستر تاریخی روشنگری مفروضات خود را در دیالکتیک روشنگری بر اروپای عصر روشنگری قراردادند که عقلانیت علمی با مبارزه با جرمیات دینی و مطلق‌انگاری سیاسی (در شکل حکومت‌های استبدادی و مطلقه)، نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در پیشبرد و اشاعه آزادی ایفا نمود. لیکن به تدریج با رشد و گسترش دستاوردهای علمی و پیشرفت‌های فناورانه و با عنایت به نتایج متعدد حاصل از منبع دائماً زاینده عقل، شکل خاصی از عقل یعنی عقلانیت ابزاری مبتنی بر سوددهی، کارایی و فناوری، به منع مهم عدم آزادی در دوران مدرن چه در جوامع سرمایه‌داری و چه در جوامع سوسیالیستی تبدیل گردید (نوذری، ۱۳۹۴: ۲۴۳). این دو در دیالکتیک روشنگری دست به ساختن مفهوم «صنعت فرهنگ» زدند.

صنعت فرهنگ، در نگاه مکتب فرانکفورت، مفهومی به معنای تولید هدفمند یک فرهنگ استاندارد و قالبی که از طریق نفوذ رسانه‌ها، همچون کالایی مصرفی به خورد توده‌ها داده می‌شود تا آن‌ها را در جهتی همسو با تمایلات و ارزش‌های سرمایه‌داری هدایت کند. هورکهایمر و آدورنو در فصل کاملی از کتاب با عنوان «صنعت فرهنگ‌سازی: روشنگری به مثابه فریب توده‌ای» به خرد ابزاری عصر روشنگری و به دنبال آن رویکرد فناورانه علم در عصر مدرنیته و صنعت فرهنگ را مورد انتقاد قرار می‌دهد (آدورنو و هورکهایمر، ۱۳۸۹: ۲۷۷).

عنصر اساسی مفهوم صنعت فرهنگ، رسانه‌ها هستند. رسانه‌های گروهی عصر مدرن مثل رادیو، تلویزیون، سینما و مطبوعات، با قدرت اثرگذاری شگفت‌انگیزی انسان‌ها را در چنبر خود گرفتار ساخته و اندیشه‌ی آنان را به هر سو که بخواهند می‌کشاند (La and Picket, 2019: 14). پیوند میان «صنعت فرهنگ و سیاست» نیز در بین گفت‌وگوهای این دو و با توجه به ظهور فاشیسم در خلال دهه ۳۰ به آنجا می‌کشد که رادیو به سخن‌گوی عام پیشوا بدل می‌شود. براین اساس فرهنگ محصول تقاضاها و خواسته‌های اصیل نیست، بلکه حاصل خواسته‌هایی است که برانگیخته و دست‌کاری می‌شوند؛ به عبارت دیگر حاصل خواسته‌های کاذب و غیرواقعی هستند (سعیدی، ۱۳۸۷: ۸۹).

در این میان علم و فناوری نیز به اعتقاد نظریه پردازان انتقادی خاصه اصحاب مکتب فرانکفورت سمت و سوی دیگری یافت. دانش انتقادی به دنبال رهایی است. رهایی که به تعبیر کن بوث^۱ قلب نظریه انتقادی است (Booth, 2007: 110). کن بوث در کتاب «نظریه امنیت جهانی»^۲ به صورت بندی های ویلیام لووت^۳ از رهایی می پردازد که از پیگیری مادی و نان و آزادی تا عدالت و رهایی از استثمار را در برمی گیرد؛ بوث سپس به مفاهیم لغوی و مدرن رهایی^۴ اشاره کرده و در تشریح مفهوم مدرن رهایی به شکل گیری آن از عصر روشنگری اشاره می کند که در برابر استبداد سلطنتی و مذهبی، عدم تحمل و نابرابری ایجاد شد تا بشریت را برای یک دنیای بهتر یاری دهد (Booth, 2007: 110-111). رهایی به معنای رفع زمینه های بی عدالتی و تلاشی است برای باز صورت بندی عدالت (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۲۴۸)؛ اما علم و فناوری نه تنها نقش رهایی بخش خود را در انتقاد از نهادهای اجتماعی از دست دادند، بلکه خود به اشکال جدیدی از سلطه بر انسان ها و جوامع تبدیل شدند (نوذری، ۱۳۹۴: ۲۴۳). باین حال جامعه ای که در چنبر صنعت فرهنگی در غلتیده باشد، هر گونه نیروی رهایی بخش را از دست می دهد (بشیری، ۱۳۹۵: ۱۸۵).

حضور داعش که در پرتو ادبیات انتقادی مفهوم رهایی بخش را دنبال می کرد سبب شده جوانانی که متأثر از برخورد ابزاری غرب و نظام سلطه، رهایی را در تشکیل حکومت اسلامی و به طور خاص دولت اسلامی عراق و شام یا داعش ببینند. داعش برای نیل به اهداف خود از فناوری بهره گرفت؛ زیرا دلیل مهم در پایداری جنبش ها را کنش توأمان سیاسی و نظامی می دانست. در این راستا، مذهب به مثابه یک ابزار مهم برای جذب جوانانی بود که توسط نظام سلطه به حاشیه رانده شده اند و خسته از تبعیض در پی رهایی از وضع موجود هستند. کاربست مذهب توسط داعش علاوه بر رهایی دنیوی متضمن خیر آخرت برای آنان نیز است (Jackson, 2017: 22-25).

۲-۱- مفهوم سازی صنعت مذهب

در ادبیات بنیان گذاران مکتب فرانکفورت و به ویژه آدورنو و هورکهایمر فرهنگ در جوامع سرمایه داری به جای آنکه پتانسیلی در خدمت رهایی بشر و حرکت به سمت رستگاری باشند، با

¹ Ken Booth

² Theory of world security

³ William Lovett

⁴ emancipation

استفاده از قدرت رسانه‌ها به ابزاری در خدمت نظام سلطه تبدیل شده است؛ تا بدین وسیله انسان را به انقیاد خود درآورند. این صنعت که مهم‌ترین ابزار آن پول ثروت، تکنولوژی و رسانه است زمینه‌ای فراهم می‌کند تا شاهد شی گشتگی انسان‌ها بوده و سلطه ابزاری را به‌مثابه مهم‌ترین کارکرد این نظام بر ابناء بشر تحمیل نماید.

گرچه بنیان‌های سیاسی و فلسفی داعش با آنچه در نظام سرمایه‌داری وجود دارد، به کلی متفاوت است، اما راه‌ها و رویکردها برای دستیابی به سلطه نزدیک به هم و مشابه است. در راستای مفهوم‌سازی واژه صنعت مذهب، استفاده از ادبیات انتقادی مکتب فرانکفورت متأثر از افکار فوئر باخ است که معتقد بود اگر به انسان فهمانده شود که خود واقعیتی متعالی است، دیگر سعادت را نه در بالای سر خویش، بلکه درون خویش خواهد جست و چون خود انسان برای خودش مطلق است هرگونه خواسته فوق طبیعی را رها خواهد کرد (صانع‌پور، ۱۳۸۲: ۱۰۸). از این رو است که با تکیه بر عنصر رهایی و رستگاری بشر که در نظریات انتقادی به‌طور کلی و مکتب فرانکفورت به‌طور خاص مورد استفاده و توجه است، سعی نماییم نشان دهیم داعش با به خدمت گرفتن این عناصر چگونه توانست جوانانی از اقصی نقاط جهان را به صفوف پیکار جذب نماید (Jackson, 2017: 23).

نظریه پردازان فرانکفورت با خوانشی انتقادی به سراغ هنر متعهد و اصیل رفتند و با تکیه بر مفهوم صنعت فرهنگ، که محصول سلطه سرمایه‌داری است و آگاهی کاذب را به ارمغان می‌آورد، معتقد بودند تنها هنر اصیل است که می‌تواند با گریز از صنعت فرهنگ نقش رهایی‌بخش ایفا کند و انسان را به رستگاری برساند.

۲- شکل‌گیری داعش به مثابه زمینه ساز صنعت مذهب

پس از سقوط رژیم صدام حسین در جریان حمله آمریکا به کشور عراق در سال ۲۰۰۳، ابو مصعب زرقاوی از عناصر اصلی القاعده با تشکیل جماعت توحید و جهاد در عراق به سال ۲۰۰۴ که از آن به القاعده عراق یاد می‌شد، تلاش کرد شورشیان ناراضی سنی را حول این تشکیلات جمع کند (Cronin, 2015). یک سال پس از حمله به مقر سازمان ملل متحد در آوریل ۲۰۰۳ و درحالی که کسی پاسخی برای دلیل این حمله نداشت؛ ابو مصعب زرقاوی ادعا کرد که وی پایه‌گذار این حملات بوده و آن را نتیجه اقدامات سازمان ملل در قبال اسرائیل و فلسطین دانست (Gwynne)

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

Dyer, 2015: 56). البته پیش از این نیز گزارش‌هایی از حضور القاعده در عراق با عنوان انصار الاسلام نیز منتشر شد که گفته می‌شد از سوی زرقاوی حمایت می‌شوند (Gwynne Dyer, 2015: 57). با این حال از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶، «جماعه التوحید و الجهاد» و سپس «تنظیم قیاده الجهاد فی البلاد الرافدین» در عراق فعال شد.

بحران سوریه از جهت مجاورت جغرافیایی و پیوستگی سرزمینی سوریه و عراق و نیز ایجاد منابع انسانی و مالی گسترده، فرصت مناسبی برای دولت اسلامی عراق بود. با توجه به شرایط جدید سوریه، ابوبکر بغدادی یکی از معاونان خود به نام ابو محمد الجولانی را به سوریه فرستاد که موجب شکل‌گیری گروه جبهه النصره در سوریه در ۲۰۱۱ شد. در ۹ آوریل ۲۰۱۳، ابوبکر بغدادی اعلام کرد که «دولت اسلامی عراق و شام» و النصره با هم متحد شده‌اند. این اعلام در حالی بود که الجولانی با این ادغام موافقت نکرد و وفاداری خود به ایمن الظواهری را اعلام نمود.

محمد رشید رضا، اندیشمند سوری الاصل که از نخستین نظریه‌پردازان عصر جدید سلفی که به دنبال احیای خلافت بود، فکر نمی‌کرد که توصیه‌اش درباره منطقه‌ای چون شهر موصل عراق را که وسط جغرافیای جهان اسلام قرار دارد به مثابه مرکز خلافت و دارالخلافت آینده جهان اسلام (فیرحی، ۱۳۸۹: ۱۴۹) به دست فردی چون ابوبکر بغدادی جامعه عمل پوشیده شود. علاوه بر آن در نظریه خلافت رشید رضا همچون اسلاف وی تأکید بر قریشی بودن خلیفه نیز شرطی بود که رؤیای خلافت بغدادی را محقق می‌کرد. گرچه به گفته فیرحی داعش به جای آزادسازی قدس به دنبال آزادسازی بغداد و احیای عصر هارون الرشید بود.

البته هرچند داعش به سوی تحقق بخشی از رؤیای رشید رضا رفت؛ اما تمام گروه‌های بنیادگرای اسلامی و به‌ویژه داعش به‌نوعی متأثر از آرا ابن تیمیه هستند. در میان گروه‌های بنیادگرا، گروه داعش و القاعده بر این امر تأکید دارند که با کفر می‌جنگند اما با توجه به نظریه دشمن قریب و دشمن بعید، با یکدیگر تفاوت دارند (زارعی، ۱۳۹۴: ۱۶۳). اولویت داعش مقابله با دشمن قریب یعنی شیعیان است و همین مسئله نزدیکی فکری آن‌ها را به ابن تیمیه نیز می‌رساند که ضمن تکفیر شیعیان رساله‌ای هم در رد تشیع نگاشته است (قادری، ۱۳۹۰). با این حال در بحث خلافت، آن‌ها معتقد به نظریه زور و غلبه هستند. تفتازانی توضیح می‌دهد که امامت یا خلافت بازور و استیلا نیز استوار می‌گردد و هرگاه امامی فوت نماید و شخص دیگری بدون بیعت (اهل حل و عقد) و یا استخلاف و صرفاً با

تکیه بر زور و شوکت خود منصب امامت را به دست گیرد، خلافت برای او منعقد شده، مشروع است (فیرحی، ۱۳۸۹: ۳۷). القاعده یک شبکه بین‌المللی است اما حوزه تمرکز داعش غرب آسیا و تأکید آن در بُعد اعتقادی بر تکفیر بوده است. از این منظر، حتی اهل سنت به دلیل کنار گذاشتن جهاد، کافرند (غفاری هاشجین و علیزاده، ۱۳۹۳: ۹۲).

۳- بحران در استفاده از پیکارجویان خارجی با ابزار رستگاری و رها سازی در صنعت مذهب

پیوستن جنگجویان خارجی به جنگ‌های داخلی پدیده‌ی جدیدی نیست و نمونه‌های تاریخی متعددی را می‌توان برشمرد (کریمی مله و گرشاسبی، ۱۳۹۴: ۱۵۶) با این حال پیوستن پیکارجویان خارجی به داعش روند خاصی داشته است. مؤسسه سوفان گروپ جنگجویان خارجی را که به عراق و سوریه آمده‌اند، بین ۲۷ هزار تا ۳۱۰۰۰ نفر از ۸۶ کشور جهان تخمین زده است (احمدیان و ناوشکی، ۱۳۹۴: ۵۹) این پیکار جویان خارجی بخشی از سرمایه‌های انسانی جهادی بودند که توان و پتانسیل ویژه‌ای برای داعش به وجود آورده بودند و افزایش توانمندی این گروه را برای انجام و هدایت عملیات تروریستی در سراسر جهان به دنبال داشتند که به جهت کمیت و تنوع ملیت به نسبت گذشته بی‌سابقه بود. برای نمونه در جنگ افغانستان فقط ۲۰ شهروند فرانسوی، در یک دوره زمانی طولانی (۱۹۷۹-۲۰۰۱) وارد شدند؛ درحالی که در جنگ سوریه بیش از ۷۰۰ تن مداخله کرده‌اند. این عده جوانانی هستند که دارای سوء سابقه و پرونده‌های جنایی می‌باشند و با کشور سوریه ارتباطی نداشتند (احمدیان و ناوشکی به نقل از بارت، ۲۰۱۴: ۱۸). داعش هواداران خود را از اقصی نقاط جهان جذب می‌کرد به گونه‌ای که بیش از نیمی از رزمندگان به زبان‌های غیرعربی- به‌خصوص انگلیسی- تکلم می‌کردند (نصری، ۱۳۹۳: ۱۰۴). مرکز رادیکالیسم پژوهی از سال ۲۰۱۱ به‌طور منظم تخمینی از تعداد جنگاوران خارجی گروه‌های تکفیری منتشر کرده بود. متن گزارش اجلاس امنیتی مونیخ که در فوریه ۲۰۱۵ منتشر گردید، حکایت از آن دارد که افرادی که از اروپای غربی به داعش ملحق شده‌اند، از ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵، ۹ برابر شده است در این میان، کشور فرانسه (۱۲۰۰) تن و بریتانیا (۵۰۰-۶۰۰ تن) و آلمان (۵۰۰-۶۰۰ تن) بیشترین سهم را دارند (نصری، ۱۳۹۳: ۱۰۴).

(۱۵۷) و حتی داعش موفق به جذب برخی نوجوانان آمریکایی از مناطقی چون دنور و حومه شیکاگو شده است (Cronin, 2015).

این جنگجویان خارجی که عموماً در کشورهای غربی در حاشیه قرار گرفته‌اند ظرفیت و فضایی برای زیست دینی ندارند و با بحران روبروست. رشد شتابان و گسترده فناوری‌های محصول نظام سرمایه‌داری در کنار ترویج فرهنگ خودی و دیگری باعث شده تا این جوانان مسلمان چون «دیگری» تعریف شده و در حاشیه‌ای جدای از جریان اصلی قرار گیرند. لذا آن‌ها به دنبال ایدئولوژی و عنصری رهایی‌بخش می‌گردند تا از وضعیت و فضای حاشیه‌ای به درآیند و با هدف تغییر در نظام سلطه سرمایه‌داری و انگاره‌های آن از ظرفیت و امکان دینی استفاده نمایند. ارتباط میان مذهب و تغییر جهان، برای جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان موضوعی چالش‌برانگیز است. مطالعات نشان داده است کسانی که مرتکب اقدامات وحشیانه، تخریب و خشونت به نام دین می‌شوند، معمولاً بر این اعتقادند که از طریق اقدامات قهری آن‌ها دنیای بهتری ایجاد خواهد شد (ترابی و حشمتی، ۱۳۹۴: ۱۰۱). با وجود این، رهاسازی در چارچوب نظریه انتقادی، یک آرمان یا هدف اتوپایی دور از دسترس بشریت نیست، بلکه آن باید در اهداف عملی برخاسته از زمان و مکان جامعه هدف ریشه داشته باشد. درواقع، رهاسازی «آلترناتیوهای غیرممکن» آرمانگرایانه را به همان اندازه نظم موجود، نقد می‌کند. این می‌تواند با فهم رهاسازی به عنوان رهاسازی از همه اشکال خشونت؛ مستقیم، ساختاری یا فرهنگی، دولتی و غیردولتی، انجام شود. یا به‌طور متناوب به عنوان ایجاد شرایط سیاسی-اجتماعی و اقتصادی که تحت آن اهداف سیاسی می‌تواند به‌طور مشروع و مؤثر بدون توسل به تروریسم دنبال شود. رهاسازی به رهایی از خشونت در همه اشکال و ساختارهای نابرابری متعهد است. آن همچنین، درحالی‌که اهمیت گفتگو، مشارکت سیاسی و شنیده شدن را بیان می‌کند، نیاز به تغییرات ساختاری اقتصادی و اجتماعی که گفتگو را متقارن و برابر می‌سازد را نیز نادیده نمی‌گیرد. درحالی‌که رویکرد انتقادی به‌طور ذاتی شامل نوعی تعهد به دستورالعمل هنجاری خاص است (برزگر و حاجی‌مینه، ۱۳۹۳: ۱۲۱).

داعش با تکیه بر بعد رسانه‌ای و عناصر جذابی چون جهاد نکاح، تصویری خیالی از دنیای بدون سلطه به دست می‌دهد که جوان در حاشیه مانده و البته خشمگین از روابط نابرابر و تبعیض‌آمیز در غرب، مسحور آن شود و به‌صوفی بپیوندد که تصور می‌کند رهایی و رستگاری را برای وی به دنبال

دارد. جماعت توحید و جهاد که از زهدان آن داعش متولد شد در جزوه‌ای تئوریک با عنوان مدیریت توحش، به توضیح و تشریح ابعاد حرکت جهادی ویژه این گروه می‌پردازد که به‌نوعی نقشه راه و عمل داعش است. نویسنده این جزوه در ابتدای نوشتار می‌گوید: در این جزوه به برنامه‌این گروه [جماعت توحید و جهاد] می‌پردازم؛ برنامه‌ای برای خروج امت از پستی و خواری و بازگشت به مسیر نجات و رهبری بشریت به سوی هدایت (ناجی، ۱۳۹۵: ۹) در این جزوه یکی از استراتژی‌های اصلی تکیه بر بعد رسانه‌ای و تبلیغات است. استراتژی رسانه‌ای که بر دو گروه هدف تمرکز کند: ۱. تمرکز بر مردم به‌گونه‌ای که افراد بیشتری را به حمایت ایجابی و گرویدن به صفوف جهاد سوق داده و تشویق به سردی و روی گردانی از آنانی کند که به جهاد نپیوسته‌اند؛ ۲. تمرکز بر سربازان دشمن از همه سطوح، تا آن‌ها را به گرویدن به صف مجاهدین و یا حداقل فرار از خدمت ارتش ترغیب نماید. اجرا نقشه رسانه‌ای که هدفش در تمام مراحل ارائه توجیهی عقلی و شرعی عملیات، به‌ویژه برای مردم است. این نقشه باید از دایره تنگ تمرکز بر اعضا گروه‌های اسلامی درآید، چراکه آن‌ها خود همه امور را می‌دانند. اما همین مردم بخش مهمی هستند که در آینده حامی و پشت گرمی ما خواهند بود. این نقشه رسانه‌ای به‌خصوص هنگامی که با مرحله مدیریت توحش هم گام شود (که باید از همین الان برای تخصیص بودجه به کمیته‌های رسانه‌ای اقدام کرد)، هدفش جذب گروه‌هایی از مردم به‌ویژه جوانان به مناطق تحت مدیریت ماست (ناجی، ۱۳۹۶: ۵۳-۵۳) جماعت توحید و جهاد و بعد از آن داعش جدای از تکیه و تأکید ویژه بر تکنولوژی رسانه‌ای از سایر ابعاد تکنولوژیک و دانش غرب نیز غافل نبود. این مسأله را در گفتار زیر بررسی می‌کنیم.

۴- بحران در بهره‌گیری از تکنولوژی و رسانه در صنعت مذهب از سوی داعش

داعش در کنار نیروهای نظامی، گروهی از اعضای خود را برای کارهای تبلیغاتی و بهره‌گیری از رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی آموزش داده و تولیدات آن‌ها در شبکه‌های تلویزیونی غربی و عربی و نیز رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود. در بین مردم دو هدف اصلی از فعالیت‌های تبلیغاتی و خبری داعش را می‌توان ایجاد فضای رعب و وحشت و ایجاد تصویر و انگاره‌های بزرگ از یک گروه تروریستی کوچک به‌گونه‌ای که همگان آن‌ها را گروهی یکدست، قدرتمند و منسجم ارزیابی کنند. به گفته برخی از کارشناسان غربی، سکس و خشونت به همراه

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

موارد مالی که به عناصر این گروه تروریستی بعد از اشغال شهرها تعلق می‌گیرد، سبب شده تا بسیاری از افراد جذب داعش شوند (اسلامی فرد، ۱۳۹۵: ۲۶).

داعش با توجه به سرسختی گروه‌های بنیادگرای سلف در استفاده از فناوری، بسیار تلاش کرد تا خود را از این وضعیت خارج سازد و حتی افراد زیادی را با استفاده از تکنولوژی و رسانه جذب نماید. به همین خاطر این گروه سازمان یافته در مدت زمان کوتاهی توانست جوانان بسیاری از کشورهای آسیایی و اروپایی جذب کند. اینکه این نیروها از کشورهای مختلف با تابعیت‌های گوناگون، به داعش ملحق شدند، حکایت از توانایی داعش برای جذب نیرو دارد (زارعی، ۱۳۹۴: ۱۶۶). بسیاری از کسانی که به عضویت داعش درآمده‌اند در مدت کوتاهی و صرفاً از طریق شبکه‌های اجتماعی یا سایت‌های اینترنتی جذب شده‌اند. بخشی از روند مقدماتی جذب نیز از طریق انتشار تصاویر و ویدئوهایی بوده که توسط داعش در یوتیوب یا دیگر سایت‌های ارائه‌دهنده خدمات صوتی و تصویری بارگذاری شده است. داعش حتی در این راه و برای جذب تمامی پتانسیل‌های اعتراضی در سراسر جهان نسبت به آمریکا یا جهان غرب از اقداماتی نمادین نیز بهره می‌جوید. یکی از این اقدامات پوشاندن لباس نارنجی بر تن گروگان‌ها یا اسرابی است که در چنگ آن‌ها گرفتار آمده‌اند. رنگ نارنجی این لباس‌ها یادآور زندانیان وابسته به گروه‌های بنیادگرای اسلامی است که در زندان گوانتانامو نگهداری شده و مورد اذیت و آزار قرار می‌گرفتند.

داعش در استفاده از فناوری و فناوری‌های نوین برای غلبه فرهنگی و مذهبی و ایجاد جاذبه از هر فرصت و امکاناتی سود می‌جوید. مرکز پژوهش و تحلیل تروریسم در آمریکا و پژوهشگاه کوپلیام انگلیس در پروژه‌ای مشترک نوار ویدئویی کشتار دسته‌جمعی تعدادی نظامی سوری را مشاهده و صحنه‌های سربردن آنان مقابل دوربین را بررسی و تحلیل کردند. در تهیه این فیلم و نظیر آن، از دوربین‌های فیلم‌برداری ۲۰۰ هزار دلاری که کیفیت بسیار بالایی دارند استفاده شده است. این فیلم با استفاده از آخرین فناوری HD تصویربرداری شده تا مخاطب را هرچه بیشتر مرعوب خود سازد (اسلامی فرد، ۱۳۹۵: ۳۳).

استفاده از سایر عناصر مرتبط با صنعت فرهنگ مثل بازی‌های کامپیوتری و انیمیشن هم جزئی از تلاشی است که داعش به خرج می‌دهد تا آن‌گونه که جورج لوکاج می‌گوید جوانان را دچار شی گشتگی نمایند و با بهره‌گیری از قدرت فناوری آن‌ها را به سلطه خود درآورند (ریترز، ۱۳۹۳:

۹۰). داعش بازی‌های رایانه‌ای نیز تولید کرد که نمونه آن بازی «چکاوک شمشیرها»^۱ بود که هدف آن تهییج جوانان برای جذب در این گروه بود. در این بازی هم هیجان بازی‌های رایانه‌ای موج می‌زند و هم تلاش شده تا نوعی الگوسازی برای جبهه جنگ صورت پذیرد.

افراد با جذب در داعش قدرت خود را به تصویر می‌کشند و بر شیوه‌های سنتی زیست می‌شورند. آنها تلاش دارند تا شخصیت از دست رفته خود در زیست غربی را به دست آورند و آسیبی که در زیست جهان غربی متحمل شده‌اند را جبران نمایند از این طریق زندگی یکنواخت و تحت انقیاد خود در جهان غرب را به فراموشی می‌سپارند. این رهایی حتی در دوران پس از مرگ نیز ادامه می‌یابد و وعده بهشت و زندگی جاویدان پس از مرگ جوانان بسیاری را جذب داعش نمود.

از منظر نظریه انتقادی، هدف دانش باید رهایی باشد. این رهایی از ساختارهای ظالمانه در عرصه اقتصاد بین‌المللی و سیاست جهان است که در کنترل قدرت‌های بزرگ است و تجلی آن در تسلط جهان صنعتی بر بخش فقیر جهان است (Brown, 1993: 202). از این منظر رهایی به مثابه کنار زدن این ساختارهای ظالمانه که زمینه‌ساز بی‌عدالتی در جهان است تلقی می‌گردد. نظریه‌پردازان انتقادی تلاش دارند این دیدگاه خود در مورد رهایی را در سطح جهان تبلیغ دهند تا از طریق آن به روابط سلطه در سطح جهانی پایان دهند. از نظر آن‌ها، روابط مبتنی بر سلطه شرایطی را ایجاد کرده که بر قابلیت‌های انسان در شناخت توانایی‌های خود سایه افکنده است (Martini, 2020: 52). از نظر اشلی این رهایی به امنیت منتهی می‌شود. امنیتی که صرفاً معطوف به دولت‌ها و کنشگران رسمی نیست بلکه طیف وسیع روابط انسانی در تمام جوامع را در بر می‌گیرد. رهایی که این امنیت مبتنی بر آن ساخته می‌شود سبب ایجاد سلطه بر بخشی دیگر نمی‌شود (مشیرزاده به نقل اشلی، ۱۳۹۰: ۲۴۸).

این در حالی است که پتانسیلی برای رهایی در دل مذهبی که داعش مبلغ آن است؛ وجود ندارد. آنچه این جوانان را به سمت داعش می‌کشاند جلوه‌های ویژه فناورانه است که داعش به مدد پول‌هایی که از طریق قاچاق نفت و عتیقه، گروگان‌گیری، غارت و تملک محصولات کشاورزی و معادن مناطق تحت تصرف خود به دست آورده است؛ به خدمت گرفته تا تصویری خیالی و

^۱ صلیل الصوارم

رهایی بخش از خود و افکار بنیادگرایانه اش نشان دهد و جوانان را در پی رسیدن به رستگاری به درون خود بکشانند.

تصویری که می رود برای بسیاری از کسانی که به داعش پیوسته اند رنگ باخته و آن ها پس از گذراندن مدتی در میان داعش فهمیده اند آنچه آن ها را جذب نموده نه پتانسیل رهایی بخشی و عنصر رستگاری نهفته در دین اسلام که صنعت مذهبی بوده است که داعش به عنوان ابزار در خدمت گرفته است. مارتین پرادل^۱، یکی از وکلای فرانسوی است که وظیفه دفاع از موکل خود را دارد که از جهاد در سوریه بازگشته و در بازداشت پلیس است. او دلیل اصلی پیوستن موکل خود به داعش را مشاهده ویدئوهای تبلیغاتی این گروه در یوتیوب اعلام کرد. این افراد کسانی نبودند که به مسجد بروند. بسیاری از آن ها تاکنون یک بار نیز پای خود را در مسجد نگذاشته اند. آسوشیتدپرس نیز در گزارشی، داستان دختری پانزده ساله را روایت کرد که خانواده خود را رها کرد و به سوریه رفت تا به داعش بپیوندد. برادرش پس از رفتن او از زندگی موازی خواهرش آگاه شد. او دو پروفایل در فیس بوک ایجاد کرده بود، یک پروفایل عمومی برای ارتباط با دوستانش و یکی برای ارتباط با تروریست ها. در پروفایل دوم از علاقه اش برای سفر به حلب می گفت و دوست داشت سریع تر به کمک این تروریست ها بشتابد. آقای پرادل روند رادیکالیزه شدن موکل خود را بسیار سریع می خواند. او در مدتی کوتاه تر از یک ماه راضی شد به داعش بپیوندد (اسلامی فرد، ۱۳۹۵: ۳۱).

نتیجه گیری

داعش با تکیه بر منابع مالی که دارد و خوانش و قرائتی که از اسلام داشته است، بسته ای مذهبی فراهم کرده که به مدد تسلط برخی از عناصر آن بر فناوری های ارتباطی، شنیداری و تصویری روز دنیا، توانسته است افراد زیادی از اقصی نقاط جهان و حتی جوانانی از کشورهای غربی و آمریکا را جذب کند. جذابیت عنصر مذهب در این میان عمدتاً مبتنی بر پتانسیل رهایی بخشی و عنصر رستگاری نهفته در آن بوده است. جوانانی که حتی در بحث پیوستن زنان به داعش با عنوان جهاد نکاح، رؤیای بهشتی خیالی دریافت می کنند که رستگاری را برای آن ها به ارمغان می آورد. براین اساس داعش

¹ Martin Pradel

در قالب فعالیت‌های کم‌سابقه در فضای مجازی که از حضور گسترده در شبکه‌های اجتماعی تا پخش موارد متعدد فیلم و عکس و محصولات ویدئویی را در بر گرفته و حتی پتانسیل بازی‌های رایانه‌ای را نیز در خدمت می‌گیرد تا دریچه‌ای به رهایی در منظر افراد به حاشیه رانده به تعبیر متفکران مکتب فرانکفورت بگشاید. اما این دریچه تنها نوعی آگاهی کاذب است که در این پژوهش صنعت مذهب نامیده شده است که تنها کارش بیگانگی و ایجاد نوعی آگاهی کاذب است. صنعت مذهب که داعش مبدع آن است آن‌چنان بهشتی در رؤیای حاشیه مانده‌ها می‌سازد که آن‌ها در کوتاه‌ترین زمان ممکن خود را به صفوف پیکارجویان داعش می‌رسانند تا راهی به رستگاری بیابند. راهی که تغییر را می‌جوید و از جا کنده می‌شود اما نصیبی غیر از آن برای حاشیه مانده‌ها به ارمغان نیاورده است.

منابع و مأخذ

- آدورنو، تئودور و هورکهایمر، ماکس. (۱۳۸۹). *دیالکتیک روشنگری*. ترجمه مراد فرهاد پور و امید مهرگان، تهران: گام نو.
- اسلامی‌فرد، غلامحسین. (۱۳۹۵). صعود و سقوط داعش و نقش رسانه‌ها. *مدیریت رسانه*، ۴(۱۷)، ۳۸-۱۹.
- امیدی، مهدی. (۱۳۸۳). نظریه انتقادی در روابط بین‌الملل با رویکرد تطبیقی. *معرفت*، ۱۲(۷۹)، ۶۲-۷۴.
- برزگر، کیهان و حاجی مینه، رحمت. (۱۳۹۳). رویکرد انتقادی به پدیده تروریسم: نظریه سنتی و انتقادی. *مطالعات رسانه‌ای*، ۹(۲۴)، ۱۱۳-۱۲۶.
- بشیریه، حسین. (۱۳۹۵). *اندیشه‌های مارکسیستی*. تهران: نشر نی.
- ترابی، قاسم و حشمتی، امیر. (۱۳۹۴). نظریه انتقادی فرانکفورت و تبیین حرکت‌های ساختارشکنانه با تأکید بر تروریسم داعش. *مطالعات خاورمیانه*، ۲۲(۸۱)، ۸۳-۱۰۶.
- ریترز، جورج. (۱۳۹۳). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- زارعی، محمد. (۱۳۹۴). سیر تحول و تطور گروه‌های تکفیری؛ مطالعه موردی: داعش و القاعده. *مطالعات راهبردی جهان اسلام*، ۱۶(۶۲)، ۱۳۹-۱۸۶.
- سعیدی، روح‌الامین. (۱۳۸۷). *صنعت فرهنگ*. *ره‌آورد سیاسی*، ۲(۲۱)، ۷۹-۹۸.
- صانع پور، مریم. (۱۳۸۲). دیدگاه اومانستی و دین. *قیاسات*، ۸(۲۸)، ۱۰۵-۱۳۰.

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

- غفاری هشجین، زاهد و علیزاده سیلاب، قدسی. (۱۳۹۳). مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری (مطالعه موردی: داعش). *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۳(۱۱)، ۸۹-۱۱۲.
- گرشاسبی، رضا و کریمی‌مله، علی. (۱۳۹۴). بررسی چرایی پیوستن جنگجویان خارجی به داعش. *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، ۵(۱)، ۱۷۹-۱۵۵.
- فیرحی، داود. (۱۳۸۹). *نظام سیاسی و دولت در اسلام*. تهران: سمت
- محرورق، فاطمه. (۱۳۹۴). اقتصاد سیاسی تروریسم: مورد داعش. *فصلنامه روابط خارجی*، ۷(۲۸)، ۱۵۴-۱۱۹.
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۹۰). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: سمت
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۴). بازبینی نظریه انتقادی در روابط بین‌الملل. *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۲۷(۶۷)، ۲۵۰-۲۲۵.
- ناجی، ابوبکر. (۱۳۹۵). مدیریت توحش. ترجمه محمد حسین باقی، تهران: نشر سربابی
- ناوشکی، حسین و احمدیان، قدرت. (۱۳۹۴). عوامل قدرت‌یابی داعش در عراق.. *علوم سیاسی (دانشگاه باقرالعلوم ع)*، ۱۸(۲۷)، ۶۸-۴۳.
- نصری، قدیر. (۱۳۹۳). رهنامه داعش و رهنامه مهار آن. *مطالعات راهبردی جهان اسلام*، ۱۵(۵۹)، ۱۱۸-۹۹.
- نوذری، حسینعلی. (۱۳۸۳). *نظریه انتقادی مکتب فرانکفورت در علوم انسانی و اجتماعی*. تهران: آگه
- Booth, K. (2007). *Theory of World Security, Published in the United States of America* by Cambridge University Press. New York.
- Brown, C. (1993). *International Relations Theory*. New York: Columbia University Press.
- Cronin, A. k. (2015). ISIS Is Not a Terrorist Group, *Foreign affairs*. march/april2015, Volume 94, Number 2, also available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/middle-east/isis-not-terrorist-group>
- Dyer, G. (2015). *Don't panic : ISIS, terror and today's Middle East*. PUBLISHED BY RANDOM HOUSE CANADA.
- Jackson, L. B. (2017). *Islamophobia in Britain. The Making of a Muslim Enemy*. New York, NY: Palgrave Macmillan
- Liebich, D. (2015). Six Things You Need to Know in Order to Understand ISIS, *Middle East, News & Analysis*, US, also available at: <https://www.foreignpolicyjournal.com/2015/03/06/six-things-you-need-to-know-in-order-to-understand-isis>
- La, H., S. Pickett. (2019). *Framing Boko Haram's Female Suicide Bombers in Mass Media: an Analysis of News Articles Post Chibok Abduction*. *Critical Studies on Terrorism*, April. 1-21.

- Martini, A. (2020). *Rethinking terrorism and countering terrorism from a critical perspective*. CTS and normativity, Pages 47-55
- .Barrett R(2014). *The Islamic state, senior vice president the soufan group*. Also available at: <http://www.soufangroup.com/richard-barrett-quoted-in-the-ctc-sentinel-the-cult-of-the-offensive-the-islamicstate-on-defense>
- Wyn Jones, R. (1999). *Security, Strategy, and Critical Theory*. Lynne Rienner Publishers, Inc.